

بررسی وجوه تمایز جاهلیت اولی و مدرن در قرآن، احادیث و روایات و نقش انقلاب اسلامی ایران در رفع جاهلیت مدرن

سید حسن قاضوی*

فرهاد پروانه**

تورج سعیدی نسب***

چکیده

گرچه تاکنون محققان به صورت جداگانه به بررسی ویژگی‌های جاهلیت اولی و مدرن پرداخته‌اند، اما کمتر به وجوه تمایز این دو جاهلیت توجه نموده‌اند. از این رو مقاله حاضر با روش توصیفی — تحلیلی می‌کوشد ابعاد، زوایا و وجوه تمایز این دو جاهلیت را به بحث و بررسی بگذارد. نتایج تحقیق حاکی از این است که جاهلیت اولی، در ازدحام تعصب قبیله‌ای و حزبی، زنده به گور کردن دختران، تبرج و خودآرایی، قمار و غنا و بت‌پرستی مزمّن خود را نمایاند. گرچه ریشه‌های پیدایش جاهلیت مدرن متمایز از جاهلیت اولی است، اما در واقع تمام ویژگی‌های جاهلیت اولی را در بطن خود دارد که در گذر زمانه رنگ و لعابی نو یافته‌اند. در حالی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گسترش حاکمیت دین اسلام در دنیای سکولار امروزی، ضمن بستر سازی حکومت جهانی مهدی (عج) و نحوه آمادگی برای حکومت مصلح جهانی، سایر نسل‌ها را نیز به تلاش و پویایی در تهیه مقدمات ظهور و فراگیر شدن حکومت اسلامی در جهان فراخوانده، تا بدین وسیله ریشه‌های جاهلیت مدرن از بین رفته و مردم جهان در حکومت مهدوی و الهی به سعادت برسند.

واژگان کلیدی

جاهلیت اولی، جاهلیت مدرن، انقلاب اسلامی ایران، قرآن، روایات.

shghazavi@ut.ac.ir

farhad.parvaneh@yahoo.com

t.gilani1360@gmail.com

تاریخ پذیرش: 1398/07/13

*. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول)

** . دانشجوی دکترای تاریخ اسلام دانشگاه لرستان.

***. کارشناس ارشد تاریخ اسلام.

تاریخ ارسال: 1398/02/14

بیان مسئله

از قول پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند: «من بین دو جاهلیت که دومین آن مخربتر از اولی است، برانگیخته شدم». (الرشیدی، بی تا: 273) عبدالله بن زراره هم از قول امام صادق (ع) نقل می کند، که حضرت فرمودند: «همانا قائم ما با جاهلان سرسخت تری نسبت به جاهلانی که رسول خدا (ص) در دوران جاهلیت با آن ها برخورد داشت، روبه رو می شود و متحمل رنج و سختی بیشتری خواهد شد». (مجلسی، 1403 ق، 52، 362)

همچنین امام صادق (ع) در چگونگی و تفسیر این مهم می فرمایند: «رسول خدا (ص) در حالی به پیامبری برانگیخته شد که مردم سنگ و صخره و مجسمه های چوبی را می پرستیدند. اما قائم ما هنگامی قیام می کند که همه مردم برای مقابله با او به تأویل کتاب خدا و احتجاج به آن متوسل می شوند». (نعمانی، بی تا، 414)

حال سؤالات اساسی تحقیق حاضر این است که وجوه ممیزه جاهلیت اولی و مدرن چیست؟ ریشه های جاهلیت مدرن از کجا سرچشمه می گیرد؟

فرضیه ای که پژوهش پیش رو، با روش توصیفی — تحلیلی و با استفاده از نشانه ها و ویژگی های جاهلیت اولی و مدرن در قرآن کریم، روایات و احادیث در صدد اثبات آن است این که جاهلیت مدرن ادامه جاهلیت اولی و در آن مؤلفه های جاهلیت اولی، شکلی نو و مدرن به خود گرفته و با نام های دیگری تجدید حیات یافته، با این تفاوت که ظهور و بروز جاهلیت اولی، به دلیل عدم بینش و آگاهی مردم، در تعصبات قبیله ای و حزبی، زنده به گور کردن دختران، تبرج و خودآرایی، قمار و غنا و بت پرستی مزمّن و ... بود. در حالی که ریشه جاهلیت مدرن در شکاکیت گرایی، خودبنیادی، اصالت دادن به دریافته های حاصل از تجربه حواس ظاهری و عقل کمی متکی به دریافته های حسی ظهور و بروز پیدا کرده است. در این میان انقلاب اسلامی، جوامع بشری را به سمت این امید در آینده سوق داد که با بهره گیری از کارکردهای مثبت انتظار زمینه برای پذیرش مصلح جهانی و برقراری عدالت جهانی تحقق خواهد یافت.

مشخصات جاهلیت

الف) جاهلیت اولی و وجوه ممیزه آن در قرآن و احادیث و روایات

قرآن، دوران متصل به ظهور اسلام را عصر جاهلیت نامیده است. (طباطبایی، 2002: 151) عصری که از نظر زمانی تا 150 سال قبل از اسلام را در بر می گیرد. (جوادی علی، 1413: 71) دورانی که

سراسر شرک و تاریک‌اندیشی بر آن غلبه داشته است.

در توضیح این مفهوم ابتدا باید اشاره کرد، از آنجا که بخش عمده مناطق شمالی شبه جزیره عربستان، به‌ویژه منطقه حجاز را صحراهای خشک و سوزان تشکیل داده است و بیشتر اعراب پیش از اسلام، بادیه‌نشین و صحراگرد بوده‌اند و به دنبال باران بدین سو و آن سو می‌رفتند. (واقدی، 1989: 575) این رفتار و ویژگی‌ها، تمایلات خاصی را در آنان ایجاد کرده بود که بسیاری از خلق و خوی‌های انسانیت را از دست داده بودند. اساس چنین جامعه‌ای بر نظام قبیلگی قرار داشت، که ریاست آن را بزرگی از اهل قبیله با ویژگی‌های خاص از جمله سخاوت و کرم، نَجْرَة (شجاعت)، قدرت جسمی، ثروت، داشتن عشیره نیرومند و یاوران فراوان، خردمندی و کارآزمودگی، صبر و بردباری، حلم و اغماض نسبت به خطاهای افراد قبیله، قیافه ظاهری و کهولت سن بر عهده می‌گرفت؛ زیرا قبیله اطمینان نداشت که قلاده امور خود را به دست جوانان کم سن و سال بسپارد. (آلوسی، 1992: 2 / 187)

به طور کلی، هر فرد قبیله حاضر است هر نوع فداکاری و ایثار را در راه قبیله بپذیرد. از این‌روست که حفظ نسب و اصالت قبیلگی از ارزش خاصی نزد اعراب بهره‌مند است. آنان برای حفظ این ارزش ناچارند نسب خود را حفظ کنند. (آلوسی، 1992: 2 / 14) برای عرب جاهلی هر قدر افراد قبیله زیادتر باشد، افتخار آن بیشتر است؛ چرا که قدرت زیادتری دارد. افتخار به این موضوع به حدی است که حتی برخی از قبایل، برای افزایش تعداد افراد قبیله مردگان خود را نیز بر می‌شمردند. (تکاتر / 3)

در بررسی قبیله و تاریخ جاهلیت باید به «تعصب» اشاره کرد. مؤلفه‌ای که نقطه مشترک و قوام هم‌بستگی قبیله را این عنصر تشکیل می‌داد. بسیاری از ویژگی‌ها و خصوصیات این گروه از انسان‌ها در دوران جاهلیت را می‌توان در پرتو این مقوله مورد مطالعه قرار داد. (حتی، 1366: 38) آنان حتی حاضر بودند در این راه جان خود را نیز فدا کنند. (ویل دورانت، 1368: 200) اگر کسی از افراد قبیله مورد ظلم و یا ستمی قرار می‌گرفت، برای خود حق انتقام قائل بود. افراد قبیله نیز وظیفه داشتند وی را یاری کنند، آنان معتقد بودند «خون را جز خون نمی‌شوید» و حتی حاضر بودند به جهنم بروند؛ ولی انتقام بگیرند. (نوبری، 1985: 67) روح نظام قبیلگی بدوی در دوران جاهلیت، نزاع و جنگ بر سر ماندن بود. آنان بر سر کوچک‌ترین مسائل جنگ‌های بزرگی به راه می‌انداختند که شاید سال‌ها به طول می‌انجامید. این جنگ‌ها را «ایام‌العرب» نامیده‌اند که برخی از آنان تا چهل سال نیز ادامه می‌یافت. (نک: عمر فروخ، 1984: 77 - 105) اعراب در دوران جاهلیت به سرزمین‌های مختلفی حمله و غارت می‌کردند. در دست درازی به اموال مردم و غارت حدّ و مرزی نمی‌شناخته و جز زبان

شمشیر زبان دیگری نمی‌دانستند. (جعفریان، 1380: 322 و 323) آنان چیزی جز قدرت و زور را نمی‌شناختند و جز در برابر آن خضوع نمی‌کردند. اعراب جاهلی بر همین پایه، حق را تعیین کرده و عدالت را بر همان اساس قرار می‌دادند. (جوادعلی، 1413: 296) آنان حتی در این باره شعر نیز می‌سرودند. (حتی، 1366: 35)

جهل و خرافه سراسر زندگی آنان را فرا گرفته بود، که علت آن را می‌توان در دوری از فرهنگ و تمدن‌های پیشرفته بررسی کرد. اعراب دوران جاهلیت از چنان عقل و فکری برخوردار بودند که روابط بسیاری از پدیده‌ها را درک نمی‌کردند و نمی‌توانستند رابطه منطقی بین آن‌ها ایجاد کنند.

اگر گاو ماده‌ای آب نمی‌خورد، علت را وجود دیوی میان شاخ‌های گاو نمی‌دانستند و آن را می‌زدند. (آلوسی، 1992: 303) هنگامی که شتر ماده‌ای مریض می‌شد، شتر نر سالمی را داغ می‌کردند. زمانی که شخص بزرگی از دنیا می‌رفت، در کنار قبرش گودالی حفر کرده و شتری را در آن حبس می‌نمودند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرد، تصور بر آن بود که میت در روز حشر بدون وسیله نماند! معتقد بودند شخص مار و عقرب گزیده، اگر فلز مس همراهش باشد، می‌میرد، برای همین گردن‌بندی از طلا یا نقره به او آویزان می‌کردند. آنان بر این باور بودند که اگر شخصی به وسیله سگ وحشی و هار گزیده نشود، مقداری از خون رئیس قبیله می‌تواند شفای او باشد. برای طرد ارواح شریر به استخوان‌های اموات و پارچه‌های آلوده به کثافت و ناپاکی پناه می‌بردند و آن را بر گردن بیمار می‌آویختند. هنگامی که مادری در دهان فرزندش دمل یا زخم‌هایی می‌دید، طبقی بر سر می‌نهاد و در میان قبیله به جمع‌آوری نان و خرما می‌پرداخت. آن‌ها را برای سگ‌ها می‌ریخت، شاید فرزندش شفا یابد. آنان به هنگام ورود در محلی جدید برای دوری از شر اجنه و طاعون ده مرتبه صدای الاغ در می‌آوردند و هنگام گم شدن در صحرا لباس‌هایشان را وارونه به تن می‌کردند تا پیدا شوند! و... (آلوسی، 1992: 303 - 367)

خرافه‌های جاهلی در میان آنان به گونه‌ای بود، که قرآن از آن به غل و زنجیر بر اعضایشان تعبیر می‌کند. (اعراف / 157) بیان قرآن ناظر به این نکته است که در آن زمان جهل و ناعدالتی سراسر زندگی عرب جاهلی را فرا گرفته بود. (طباطبایی، 2002: 151)، اعراب جاهلی همچنین هیچ ارزشی برای زن قائل نبودند. وجود زن و دختر را مایه ننگ و سرافکنندگی می‌دانستند. آنان زنان را شایسته ارث نمی‌دانستند و بر آن بودند که تنها کسانی که شمشیر می‌زنند و از قبیله دفاع می‌کنند از حق ارث برخوردارند. (أبو جعفر البغدادی، 1998: 324) آنان نه تنها به زنان ارث نمی‌دادند، بلکه اگر شوهرش از دنیا می‌رفت، خود زن را نیز به ارث می‌بردند. (نساء / 19)

زنان و دختران را بدون هیچ گونه محدودیتی به نکاح در می‌آوردند و یا طلاق می‌دادند و

کوچک‌ترین ارزشی برای آنان قائل نبودند (الترمانینی، 1996: 47) در آن زمان انواع ازدواج‌های فاسد گونه در میان اعراب عصر جاهلیت اولیه رایج بود. از جمله؛ نکاح موقت (ازدواج پسر بزرگ با زن پدر)، نکاح جمع (زنای کنیزکان با دیگران به عنف)، نکاح بدل (تعویض همسران زن)، نکاح ضماد (ازدواج چند مرد با یک زن)، نکاح استبضاعی (اجاره دادن همسر زن) و نکاح دسته جمعی (ازدواج چند مرد با چند زن) (مطهری، 1388: 28)

از نظر امام علی(ع) لجاجت در برابر حق، حمیت و تعصب بیجا و شیطانی، خودپسندی و غرور، عدم اندیشه و تفقه در دین، به کار نبردن گوهر خرد در خداشناسی، میراث‌دار فرهنگ منحط گذشته و از پیشوایان ستمگر پیروی کردن، از نمودهای جاهلیت است. امام در خطبه‌ای درباره حالات و ویژگی‌های مردم دوران جاهلیت در آستانه بعثت پیامبر اکرم می‌فرماید: «در آن دوران، ملت‌ها در خوابی عمیق فرو رفته بودند. فتنه و فساد در مجرای به راه انداختن هرج و مرج، جهان را فرا گرفته بود. کارهای خلاف، میان مردم منتشر و امور زندگی از هم گسیخته و آتش جنگ‌ها زبانه می‌کشید. دنیا بی‌نور و پر از نیرنگ گشته بود. برگ‌های درخت زندگی به زردی گراییده، از ثمره زندگی خبری نبود. میوه دنیای آن روز فتنه و غذایش مردار بود. در درون، وحشت و اضطراب و در بیرون، شمشیر حکومت می‌کرد». (موسوی زاده، 1385: 38)

در بین اعراب عصر جاهلیت اولی حتی گزارشاتی از زنده به گور کردن دختران نیز وجود دارد. (ابن ابی‌الحدید، 1961: 174) خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «هرگاه به یکی از آنان بشارت می‌دادند که دختر نصیب او شده، از فرط ناراحتی صورتش سیاه می‌شد و خشم خود را فرو می‌خورد و از قوم و قبیله خود متواری می‌گردید. آیا ننگ را بپذیرد و او را به خواری نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند.» (نحل / 58 - 59) همچنین می‌فرماید: «و آن گاه که از دختران زنده به گور شده سؤال می‌شود که به چه جرمی کشته شده‌اند؟» (تکویر / 8 - 9) خداوند آنان را «گمراه و هدایت نیافته معرفی می‌کند.» (انعام / 140)

بنابراین رسول خدا (ص) در حالی به پیامبری برانگیخته شد که مردم سنگ و صخره و مجسمه‌های چوبی را می‌پرستیدند. (نعمانی، بی‌تا: 414)، این‌ها همه ویژگی‌های جاهلیت اولی بود که خود را در ازدحام تعصب قبیله‌ای و حزبی، زنده به گور کردن دختران، تبرج و خودآرایی، قمار و غنا و بت‌پرستی مزمن نشان داد. اعراب بادیه نشین که به قول امیرمؤمنان(ع) مردم در حیرت و گمراهی سرگردان بودند و در فتنه و جهل و فساد غوطه ور، هوا و هوس‌های سرکش، آن‌ها را از جاده حق دور ساخته، جهل و نادانی آن‌ها را سبک مغز بار آورده، در کارهای خود مضطرب و حیران ساخته و به آن مبتلا گشته بودند. (نهج البلاغه، خطبه 95). بنابر این ریشه جاهلیت اولی در عدم

بینش، آگاهی و جهالت مردم آن عصر نهفته است.

ب) جاهلیت مدرن و وجوه ممیزه آن در قرآن و احادیث و روایات

قرآن کریم به وجود جاهلیتی موسوم به جاهلیت دوم، پس از جاهلیت اول اشاره می‌نماید، که از علائم ظهور امام مهدی(عج) است. شواهد قرآنی بسیاری بر این موضوع تأکید دارند، که از آن جمله می‌توان به آیات زیر اشاره نمود: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا نَّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ؛ سپس بعد از آن اندوه و غم، خواب آرامش بخشی بر شما فرود آمد که گروهی از شما را که بر اثر پشیمانی، دست از فرار برداشته، به سوی پیامبر آمدید، فرو گرفت و گروه دیگر که حفظ جان‌هایشان، آنان را پریشان خاطر و غمگین کرده بود، درباره خدا گمان ناحق و ناروا همچون گمان‌های جاهلیت می‌بردند». (آل عمران / 154)

و نیز از امامان معصوم(ع) روایاتی وارد گردیده که آشکارا بر وجود جاهلیت دوم قبل از قیام حضرت مهدی(عج) اشاره می‌نماید. از آن جمله روایتی است که علقمه بن زید از امام صادق(ع) و ایشان از پدرشان امام باقر(ع) در تفسیر قول خدای تعالی: «وَلَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» فرمودند: جاهلیت دیگری وجود خواهد داشت. (کلینی، 1365: 8 / 307؛ حلی، 1337: 81؛ مجلسی، 1403: 22 / 189؛ قمی، 1363: 2 / 193)

به نظر می‌رسد برخلاف جاهلیت اولی، ریشه‌های پیدایش جاهلیت مدرن، خودبنیادی بشر عصر جدید می‌باشد؛ توضیح این‌که تا پیش از دوره رنه دکارت و غلبه تاریخ و تفکر غربی، بشر در جهل بسیط سیر می‌کرد از این‌رو، بخت خضوع و خشوع در برابر حق را به تمامی از دست نداده بود، اما از این عصر، بشر خودبنیادی پیشه کرد و با اصالت دادن به دریافت‌های حاصل از تجربه حواس ظاهری، خود را حجت و قطب، منشأ شناخت و فاعل تام شناسنده خواند و از عالم و آدم تفسیری مادی ارائه کرد. از این‌رو خالق هستی، کتب آسمانی و کلام وحیانی انبیاء و اوصیای الهی را به محکمه عقل کمی متکی به دریافت‌های حسی کشید و احکام خود را درباره آن‌ها صادر کرد. در واقع بنایی جدید بر پایه‌ای جدید پدید آورد و از این‌جا، خدای نو، کتاب نو و احکام نو پدید آمد. شاید این واقعه، تفسیر این آیه در «قرآن» باشد که از قول ابلیس بیان شده: «پروردگارا به سبب آن‌که مرا گمراه ساختی من هم گناهانشان را در زمین برایشان می‌آرایم و...» (حجر / 39) این آغاز راه بود و از پی آن، این حجت دوران، پای هر چه که به او قدرت، برخوردار می‌داد، مهر تأیید زد. هر چه را با محک تجربه حسی در می‌یافت، امضا کرد. هر امر و نهی را که مانع و رادع این برخوردار می‌شد، لذت جویی و

قدرت طلبی بود به کناری افکند و آن را حاصل جهل و خرافه پنداشت و شد، آنچه شد. عالمی نو، آدمی نو و جاهلیتی نو متولد شد. تفکر اومانیستی (اصالت الانسانی)، اخلاق لیبرالی (اباحیگری) و نگاه سکولاریستی (دنیوی‌گری) توأم با هم، ریشه‌های پیدایش جاهلیت دوم را می‌نمایانند که خدای نو، اخلاق نو و انسان نو را معرفی می‌کنند.

اغوای انسان از طریق زینت دادن به زمین اتفاق افتاد و نه از طریق امر به فحشا و حتی از طریق زینت بخشی به زشتی‌ها، چنان که آیه فرموده بود: «و شیطان آنچه را انجام می‌دادند، برایشان آراسته است». (انعام / 43)

نوعی ماتریالیسم که ابتدا صورت فلسفی یافت، تبدیل به فرهنگ شد و از آن پس، همه پهنه‌های حیات مادی بشر را گرفت. پوشیده نیست که، علم زائل‌کننده تاریکی‌ها و ناشناخته‌ها و رهنما به سوی حق است. معرف حجت حق و فارق میان حق و باطل است. همان که کتاب الله و آل الله، حامل، مبشر و مبلغ آن بودند. از همین جهت شفا نیز در خود دارد؛ لیکن در عصر جاهلیت دوم، بزرگترین حجاب مخفی و ضایع‌کننده کتاب الله و آل الله، بزرگترین منکر حجت حق، صورت علم به خودش گرفت و شهره به علم و آگاهی شد؛ بلکه در کسوت حجت، فارق معکوس هم شده؛ یعنی حق را باطل و باطل را حق معرفی می‌کند؛ معروف را منکر و منکر را معروف می‌نماید.

جاهل در عصر جاهلیت اول، حجت حق را نمی‌شناخت، اما به محض دیدار و استماع کلام او ایمان آورد و بت‌ها و بت‌پرستی را رها کرد؛ لیکن، جاهلان عصر مد، به محاجه و ستیز و انکار با حجت حق می‌پردازند. از همین رو، امام صادق(ع) از قول پدرانشان نقل فرمودند: «رسول خدا فرمودند هر کس قائم از فرزندان مرا انکار نماید، به مرگ جاهلیت مرده است». (مجلسی، 1403: 51 / 73) اعلام تجربه جاهلیت دوم و به عبارتی جاهلیت مدرن در سال‌های قبل از ظهور، از سوی پیامبر گرامی و ائمه معصومان، اعلام بطلان پندار «اصل ترقی» یا تکامل و تطوّر است، که توسط مبلغان و مبشران تاریخ و تفکر غربی مطرح و پذیرفته شد. در این رویکرد، مطابق پندار حامیان و مبلغان اصل ترقی یا همان مدرنیته، آنچه ملاک تشخیص و باعث اعتباربخشی و شرط اعلام حیات عالمانه است، زیست مدرن و تمدن تکنولوژیک است. همان که بشر غربی را مبتلای توهم ساخت و باعث شد تا گمان کند با تجربه مدرنیته از جهالت رسته و به محضر خورشید علم و آگاهی راه یافته است.

مصادیق این جاهلیت دوم که در روایات معصومان از آن‌ها سخن به میان آمده، وجوه مختلفی را نشان می‌دهد. بخش اول، ناظر بر جاهلیت در حوزه فکری و اعتقادی است. همان که باعث و موجب بروز مصادیق فرهنگی و تمدنی جاهلیت نیز می‌شود. در بیان حضرات معصومان، عدم معرفت درباره امام در هر عصر به منزله مرگ در جاهلیت اعلام شده است، امری که انسان درباره آن، مورد سؤال و

مؤاخذة واقع خواهد شد. در این باره از قول امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است که رسول الله(ص) فرمودند: «هر کس بمیرد؛ در حالی که امام زمان(عج) خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته و به خاطر اعمالی که در جاهلیت و اسلام انجام داده، مورد مؤاخذة قرار می‌گیرد».

به هر روی آدمی، در گذار از فراز و نشیب حیات، اشخاصی را به عنوان حجت خود قرار می‌دهد و لاجرم، هر حجت و فارقی، در ادب و فرهنگ و سر در پی او می‌نهد و معاملات مادی، صورت خود را نمودار می‌سازد. بی‌سبب نیست که حضرت فاطمه زهرا(ع) می‌فرمایند: «فرمانبرداری از ما، سبب نظام امت و امامت ما خاندان مایه امان بخشی از تفرقه‌هاست» (مجلسی، 1403: 9 / 223؛ طبرسی، 1413: 1 / 98) صورت بیرونی حیات هر عصر، تجسم عینی حجتی است که مردم در هر عصر و زمان، آن را امام و حجت خویش می‌شناسند. مردم در این حجت‌ها خود را می‌نگرند و تمثال آن‌ها را در عالم بیرونی، آشکار و مجسم می‌سازند.

فرهنگ و تمدن جاهلیت مدرن، انعکاس عینی حجت عصر مدرنیته و غیرمعصوم است که امکان سلطه و امارت یافته است و البته، تفاوت بنیادین این عصر و سایر اعصار ماضی که بشر تبعیت از حجج غیر معصوم را گردن می‌نهاد، این است که در ادوار گذشته، بت پرستان و پیروان کاهنان و دروغ‌زنان، به پرستش شخصی طاغوتی، الهه‌ای، کاهنی و حتی بتی غیر از خودشان مشغول می‌آمدند و حداقل، نوعی خروج از خود و ترک خود را در اسفل مراتب داشتند؛ لیکن در عصر مدرن، بشر خود را می‌پرستد؛ طاغوت، خود اوست؛ بی‌واسطه در «خودبنیادی» مستقر شده و این بدترین نوع جاهلیت است که در تاریخ حیات بشر اتفاق افتاده است. این جاهلیت موجد جهانی است، آکنده از ظلم و جور.

سخن امیرمؤمنان، علی(ع) خطاب به مردم آخرالزمان شگفت است، آنجاکه فرمودند: «ای مردم! به یقین بدانید، آن کس که با جاهلیت مرسوم در میان شما به استقبال قائم ما برود، با آن کس که با جاهلیت اول به استقبال رسول خدا رفت، تفاوتی ندارد و دلیل آن این است که در آن روز همه بر رسم و روش جاهلیت زندگی خواهند کرد، مگر آن کسی که مورد رحمت خداوند قرار گیرد» (مجلسی، 1403: 51 / 120)

وسعت دوری و بیگانگی است که در چشم جاهلان، آیین و مرام آبا و اجدادی را غریبه می‌نماید؛ چنان که همان امام معصوم به زبان دیگری، درباره سیره امام مهدی(عج) می‌فرماید: «همان کاری را که رسول خدا(ص) انجام داد، مهدی انجام می‌دهد. بدعت‌های موجود را خراب می‌کند، چنان که رسول الله(ص) اساس جاهلیت را منهدم نمود، آن‌گاه اسلام را از نو بنا می‌کند» (ابن بابویه، 1377: 1 / 201) بخش دوم وجوه ممیزه جاهلیت مدرن ناظر بر مسائل اجتماعی از جمله عصبیت، افتخار به نسب،

حسادت و کینه، غضب، تبرج، قسم خوردن به غیر از خدا، شرب خمر، قمار، غنا و شیوع منکرات و رذایل در جامعه است. پیامبر اکرم(ص) در حدیثی طولانی برای سلمان فارسی، برخی از ویژگی‌های جاهلیت مدرن را این طور بازگو می‌فرماید: «ای سلمان! در آن موقعیت کارهای بد و ناپسند در بین مردم بصورت کارهای شایسته و پسندیده در آید و کارهای پسندیده و نیکو، به صورت کارهای نکوهیده و ناپسند جلوه کند. مردمان خیانت پیشه، مورد وثوق و امانت واقع شوند و به افراد امین و درستکار، نسبت خیانت داده شود و مرد دروغگو را تصدیق کنند و به دروغ‌های او مهر صحت و درستی بنهند و مرد راستگو و درست را دروغگو و به گفتار او ترتیب اثر ندهند. ... ای سلمان! در آن وقت مردها به مردها و زن‌ها به زن‌ها اکتفا می‌نمایند. ... مردها خود را شبیه به زنان و زنان خود را شبیه به مردان می‌نمایند. و افرادی که دارای رحم هستند (زنان) و برای تولید مثل آفریده شده‌اند، سوار بر زین‌ها می‌شوند. پس بر آن زنان از اَمّت من لعنت خدا باد. ... ای سلمان! در آن زمان پرده عصمت مردم پاره و محرّمات الهیه به جای آورده می‌شود. حریم عفاف دریده و معصیت‌های خدا رائج می‌گردد. بدان و اشرار بر اخیار و خوبان مسلط و دروغ علناً رائج و در بین توده مردم شایع می‌شود. لجاج و خودسری و استکبار ظاهر و نیازمندی و احتیاج، همه توده‌ها را فرا می‌گیرد. مردم به لباس خود بر یکدیگر مباحثات می‌کنند. باران‌های فراوان در غیر فصل باران پیدا می‌شود. اشتغال به لهو و لعب از قبیل بازی کردن با باطل و آلات موسیقی را امری پسندیده و نیکو می‌شمرند. امر به معروف و نهی از منکر را گذشته از آن که به جای نمی‌آورند، امر نکوهیده و ناپسند می‌دانند. زمانه و وضعیت محیط در آن زمان به قدری انحطاط پیدا می‌کند که مردمان مؤمن و با ایمان راستین، در آن زمان، در بین مردم از تمام افراد اَمّت پست‌تر و حقیرتر و ذلیل‌تر خواهند بود. در بین زاهدان و عابدان و در بین علما و نزدیکانشان حسّ بدبینی و بدخواهی ظاهر و پیوسته در صدد عیب‌جوئی و ملامت از یکدیگر بر می‌آیند» (قمی، 1363: 2 / 305)

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند: «رسول خدا(ص) فرمود: هر کس در قلبش ذرّه‌ای از عصیبت داشته باشد، خداوند او را در روز بازپسین با اعراب جاهلیت محشور خواهد نمود». (کلینی، 1365: 2 / 308) در روایت دیگر می‌فرمایند: «هرکس تعصّب ورزد، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلی محشور می‌گرداند». (العاملی، 1373: 15 / 37)

معنای این احادیث این است که هر کس به هر جهت قبیله‌ای، سیاسی، علمی و دینی تعصّب بورزد روز قیامت با اعراب جاهلیت محشور خواهد شد. این نوع تعصّب در میان مردم روزگار ما، آنقدر آشکار و عیان گردیده که حتی به دانشمندان و فراگیرندگان دانش نیز سرایت کرده است، به گونه‌ای

که مشاهده می‌گردد این افراد نسبت به زعمای خود، حتی با وجود مشاهده خطا در آنان، تعصب نشان می‌دهند و بدین گونه دانسته یا ندانسته در سلک مصداقی از مصادیق اعراب جاهلی در می‌آیند. افتخار به حسب و نسب و حمیت و نخوت جاهلی از بارزترین نمونه‌های جاهلیت مدرن می‌باشد. قبایل عربی جاهلیت اول، به طور پیوسته به حساب حق و هدایت و تقوا، به حسب و نسب خود افتخار می‌کردند و حمیت در میان آنان بسیار رایج بود و این موضوع در جاهلیت دوم نیز به عینه تحقق یافته است؛ چرا که هم اکنون شاهد فضل فروشی و تفاخر به عشیره و خانواده به حساب دین می‌باشیم و فراتر از آن نظاره‌گر طعنه زدن به نسب فلان شخص و فلان قبیله و کاستن از شأن آن، در نتیجه چنین نگرش‌هایی نیز می‌باشیم. روایات شریف با تأکید بر وجود چنین پدیده‌ای در آخرالزمان؛ یعنی خاستگاه جاهلیت دوم وارد شده‌اند و ما را از عواقب انجام چنین اعمالی بر حذر می‌دارند. از امام باقر(ع) نقل شده که فرمودند: «سه چیز از اعمال جاهلیت است، فخر به نسب و طعنه زدن به نسبه‌ها...» (نوری، 1408: 2 / 454) قرآن نیز بر این موضوع اشاره دارد که بنیاد کرامت، فقط تقوا است: «إِنَّ

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ همانا گرامیترین شما در نزد خداوند با تقواترین شماست». (حجرات / 1)

قطعاً حسادت، کینه و تندخویی و نیز قطع رحم و عدم احترام به بزرگتر و شفقت به کوچکتر و دیگر کینه توزی‌هایی که منجر به لشکرکشی‌ها و منازعات می‌شود، از جمله اسباب ضعف جوامع و جدایی آن‌ها و تبدیل آنان به طعمه‌ای سهل برای دشمنان می‌باشد و از این رو این گونه اعمال و رفتار از سوی شارع، مقدس گردیده است. در روایات وارد شده از سوی اهل بیت(ع) آمده است که: «بر حذر باشید از حسادت ورزیدن و کینه‌توزی نسبت به یکدیگر که از اعمال جاهلیت است». (ابن شعب الحرائی، 1363: 1)

غضب، مظهری از مظاهر جاهلیت است؛ زیرا انسان را از حالت طبیعی و فطری خارج کرده و چون پرده‌ای بر روی قلب و عقل آویخته می‌گردد و بر اساس هوای نفس در عقل انسان تصرف می‌کند تا جایی که حتی اگر شخصی را به قتل برساند، اندوهگین نمی‌گردد. از این جهت غضب مورد نهی شارع قرار گرفته و این عمل از افعال جاهلیت قلمداد شده است. از ناحیه ائمه معصومان(ع) وارد شده است که: «هر کس غضب نماید، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می‌گرداند». (ابن بابویه، 1386: 231)

خودآرایی زنان در جاهلیت دوم، متناسب تبرج زنان در جاهلیت اول است و قرآن کریم زنان را از این عمل ناروا نهی نموده است: «وَلَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ و خود را مانند خودآرایی زنان در عصر جاهلیت اول نیارایید». (احزاب / 33) طبق نقل برخی مفسرین عبارت «جاهلیت الاولى» اشاره

به جاهلیت عصر قبل از پیامبر اسلام دارد.

کمتر کسی را می‌توان یافت که در مورد جاهلیت اعراب قبل از اسلام حرفی شنیده باشد. مردم آن زمان، آداب و رسومی داشته‌اند که در این آیه، به یکی از آن‌ها که عبارت از «تبرج» است اشاره شده است. تبرج به این معناست که زنان عصر جاهلیت، «حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آنان نمایان بود (مکارم شیرازی، 1367: 17 / 290) قرآن کریم در این آیه به زن‌ها دستور می‌دهد که مانند زن‌های عصر جاهلیت رفتار نکنند.

با استفاده از تعبیر «جاهلیه الاولی» برخی از مفسرین، این نکته را بیان کرده‌اند که این آیه یکی از پیشگویی‌های اعجاب آمیز قرآن می‌باشد. چرا که خبر از جاهلیت دیگری می‌دهد که در آینده رخ خواهد داد. امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «سَتَكُونُ جَاهِلِيَّةً أُخْرَى» (مجلسی، 1403: 22 / 189) جاهلیت دیگری نیز به زودی اتفاق خواهد افتاد.

پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز در بیانی نورانی می‌فرماید «بعثت بین جاهلیتین الأخرهما شر من أولاهما» (ابومعاش، 1430: 457) من بین دو جاهلیت که دومین آن سخت‌تر از اولی است، برانگیخته شده‌ام.

اعراب در زمان جاهلیت، آشکارا و بدون هیچ مانع اخلاقی یا دینی شراب می‌نوشیدند و این موضوع حتی در مکه نیز شایع بود. (مسعودی، 1404: 3 / 2) در روزگار ما جاهلیت دوباره بازگشته تا جایی که مردم می‌بینند و می‌شنوند که بعضی از مسلمانان و اغلب غیر مسلمانان شراب می‌نوشند؛ بلکه آشکارا مبادرت به ارتکاب این گناه می‌نمایند و هیچ‌گونه پنهانکاری نسبت به نوشیدن آن روا نمی‌دارند.

غنا و نواختن موسیقی طرب‌انگیز و آوازه خوانی، از امور مهیج و آشکار در عصر جاهلیت بود و این از اعمال ابلیس است و او اول کسی بود که به غنا پرداخت و اسلام پس از ظهور، با این امر آشکار مبارزه کرد و مردم را از انجام آن نهی و اعراض کنندگان آن را ستایش نمود: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ آن کسانی که از بیهوده اعراض می‌نمایند». (مؤمنون / 3) اکنون در عصر جاهلیت دومی که ما زندگی می‌کنیم، شاهد غنای علنی و لهو و آوازه خوانی و نواختن آلات طرب و خرید و فروش آن‌ها در عین حرمتشان می‌باشیم.

از جمله اموری که اسلام آن را نهی کرده و برای حفظ پیکر پاکیزه خانواده که اصلاح آن، اصلاح جامعه و به عکس می‌باشد، به شدت با آن مبارزه نموده، شیوع منکرات و ردایل در جامعه است. در

روزگار فعلی ما، جاهلیت جدیدی، در قالب انتشار منکرات و ایجاد فساد در جوامع، حتی جوامع مسلمانان، پا به عرصه وجود گذاشته است و این موضوعی است که روایات شریف و از جمله این روایت رسول خدا(ص) بر آن تأکید نموده است: «حال شما چگونه خواهد بود، هنگامی که زانتان فاسد و جوانانتان فاسق شوند». (صافی، 1380: 42)

مقام معظم رهبری در توصیف جاهلیت مدرن می‌فرمایند: «جاهلیت، امروز هم در دنیا وجود دارد؛ ما باید چشممان را باز کنیم و جاهلیت را بشناسیم؛ امروز هم عیناً همین معنا وجود دارد؛ شهوت‌رانی بی‌حساب، بی‌مهار، بی‌منطق، امروز منطق شهوت‌رانی در دنیای غرب «تمایل» است؛ می‌گوییم چرا همجنس‌بازی را، همجنس‌گرایی را ترویج می‌کنید؟ می‌گویند خب، این یک تمایل بشری است؛ این منطقشان است! همینها که در عرصه شهوت‌رانی و عدم رعایت هیچ خط قرمزی در باب شهوات جنسی و شهوات گوناگون بشری ایستادگی و توقف نمی‌کنند و پیش می‌روند، نوبت به قساوت که می‌رسد، همان وضعیت را انسان اینجا هم مشاهده می‌کند: انسان‌ها را می‌کشند، بی‌گناه‌ها را می‌کشند، بدون هیچ جرمی ملت‌ها را مورد سرکوب قرار می‌دهند؛ این جاهلیتی است که امروز وجود دارد؛ جاهلیت مدرن. فرق این جاهلیت با جاهلیت صدر اول - جاهلیت اولی به تعبیر قرآن - این است که امروز جاهلیت، مسلح و مجهز است به سلاح علم، به سلاح دانش؛ یعنی علم که مایه رستگاری انسان باید باشد، وسیله‌ای شده است برای تیره‌روزی انسان، برای بدبختی جوامع بشری. آن کسانی که امروز به دنیا دارند زور می‌گویند، با تکیه به فراورده‌های دانش خود است که دارند زور می‌گویند؛ این سلاحی که دارند ساخته شده و فراورده دانش است، ابزارهای اطلاعاتی که دارند، ابزارهای امنیتی که دارند، ابزارهای عظیم تبلیغاتی که دارند، این‌ها فراورده‌های علم است؛ همه آن‌ها در خدمت همان شهوت و غضب است. این وضع امروز دنیا است. جامعه اسلامی با یک چنین واقعیتی مواجه است و این را دنیای اسلام باید احساس کند، باید درک کند.

امروز جاهلیت بازتولید شده است؛ با توان بسیار بالا، با خطر صدها بلکه هزارها برابر جاهلیت روزهای اول و دوران اول اسلام. البته اسلام هم بحمدالله امروز مجهز شده است. نیروی عظیم اسلامی با استفاده از ابزارهای گوناگون، امروز در دنیا گسترده است. و امید موفقیت، امید غلبه بر ترند دشمنان امید کمی نیست؛ امید بالایی است؛ چیزی که لازم است در درجه اول «بصیرت» است و در درجه دوم «عزم و همت»؛ این چیزی است که ما ملت‌های مسلمان به آن احتیاج داریم». (بیانات مقام معظم رهبری 1394/02/26)

انقلاب اسلامی ایران طلایه‌دار انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) و نقش آن در رفع جاهلیت

مدرن بیان گردید که بیشتر رفتارهایی که در زمان جاهلیت قبل از اسلام و در جاهلیت مدرن بود، هم مخالف عقل و هم مخالف احکام الهی بود و این خود یکی از شاخص‌هایی است که طبق آن می‌توان بسیاری از مسائل را سنجید.

امروزه ما شاهد جاهلیت نوع دوم می‌باشیم که به جاهلیت «نوین و یا مدرن» معروف می‌باشد که یکی از مهم‌ترین عوامل حصول این جاهلیت عدم شناخت و معرفت نسبت به امام معصوم است. اگر کسی امام زمان خود را نشناسد و نتواند با امام زمان خویش پیوند و رابطه داشته باشد به جاهلیت مبتلا می‌شود و زندگی جاهلانه‌ای دارد. وقتی که زندگی یک شخص جاهلانه شد، مرگ او نیز مرگ جاهلی است. چرا که ثمره و میوه زندگی جاهلانه، مرگ جاهلی است؛ زیرا پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (کلینی، 1365: 2 / 131). کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، مرگش مرگ جاهلیت است.

بنابراین، تنها راه‌هایی از جاهلیت مدرن و در امان ماندن از این چنین فتنه هولناکی که امروزه گریبانگیر جامعه بشری شده است را می‌توان روی آوردن به سوی امام عصر (عج) بیان کرد. تا زمانی که بشریت امروز از حجت خدا روی گردان باشد، روز به روز بر جهالتش افزوده می‌شود.

حضرت امام ماهیت جمهوری اسلامی را احکام و اصول اسلام و آموزه‌های قرآنی می‌دانند. جمهوری را شکل و قالب و روح و محتوای آن را اسلام! اما اسلام ناب، نه اسلام تحجر و واپسگرا و دگم! اسلامی همه جانبه، نه تک بعدی! اسلامی که به مردم و آراء آنان ارزش قائل است. نه اسلامی که سیاست را به معنای پدر سوختگی (دروغ و ریا و خودکامگی و دیکتاتوری و ...) دریافت کرده! اسلامی که عدل و عدالت، آزادی و استقلال، مردم سالاری دینی را مطرح می‌کند. (رک: خمینی، 1389: 5 / 408 و 409)

امام خمینی (ره) ضمن تعریف و تفسیر ماهیت انقلاب اسلامی و ابعاد واقعی آن در چهار چوبی جهانی و خارج محدوده مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی، تحول باطنی انسان در پهنه کره خاکی و رجعت دوباره بشر به مفاهیم معنوی و توحیدی و زمینه‌سازی برای انقلاب جهانی اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت (عج) را مأموریت مهم و اصلی جریان توفنده انقلاب اسلامی می‌دانستند. تاکیدها و تصریحات مکرر امام خمینی در این باره نشان این واقعیت مسلم است که وی با وقوف کامل بر فقر و مسکنت معنوی بشر معاصر، فراهم آوردن شرایط ظهور منجی موعود بشریت را مأموریت الهی و رسالت تاریخی انقلاب اسلامی دانسته و نهایت تلاش خود را نیز برای نیل به این هدف مقدس مبذول داشتند.

امام بزرگوار در تعریف و تعیین اهداف و آرمان‌ها و استراتژی بلند مدت انقلاب اسلامی فرمودند: ما همه موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم. من امیدوارم که ما بتوانیم پرچم اسلام و پرچم جمهوری اسلامی را در همه جای دنیا بر پا کنیم و به تدریج ما باید انقلاب خودمان را به خارج به نحوی که هست صادر کنیم امام عزیز با عزمی راسخ و ایمانی عمیق به رسالت تاریخی و الهی خود این مهم را یادآوری می‌نمودند که: ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم.

درعین حال حضرت امام(ره) جهت خنثی‌سازی تبلیغات مسموم استکبار جهانی و ارائه تعریفی واضح از مفهوم صدور انقلاب اسلامی متذکر گردیدند: ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم می‌خواهیم ... همین معنویت که پیدا شده است در ایران را صادر کنیم، ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تنگ بکشیم و حمله کنیم. (خمینی، 1389: 13 / 90)

امام در بخش‌هایی از سخنان خود که به مناسبت ولادت مهدی منتظر(عج) در تاریخ چهارده شعبان 1408 ق ایراد کرده‌اند، می‌فرمایند: مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. (خمینی، 1389: 21 / 327)

مقام معظم رهبری در بیانی می‌فرمایند:

ما خواسته‌ایم که در میان ظلمات جاهلیت قرن بیستم، خورشید فروزان اسلام را به درخشش درآوریم. ما خواسته‌ایم در هنگامی که نسل‌های بشر، از مکتب‌های گوناگون - از سرمایه‌داری پلید غرب تا کمونیسم ملحد شرق - دلزده شدند، بتوانیم مکتب حیات بخش و راه زندگی سالم و مطلوب و شیرین را به بشر نشان بدهیم و آن، حیات طیبه اسلامی است. تقریباً در طول این یازده سال، هر چه و در هر قسمتی که ما در راه اسلام پیش رفتیم، در همان قسمت زندگی شیرین شده است و در هر بخشی که توفیق پیدا نکردیم در جهت اسلام حرکت بکنیم، در آن بخش زندگی سخت و تنگ و تلخ باقی مانده است. (بیانات مقام معظم رهبری 1368/10/19)

با توجه به سخنان امام خمینی و تصریح ایشان بر نقش زمینه ساز این نهضت برای انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)، به چند نکته اشاره می‌گردد:

1. بر اساس فرمایشات حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری ماهیت انقلاب اسلامی برخاسته از اسلام ناب و مبتنی بر اصول و ارزش‌های اصیل وحی آسمانی و احیاگر و منادی حاکمیت اسلام ناب بر سراسر جهان است و از جایی که حاکمیت اسلام ناب بر جهان در گام اول با مانعی چون جاهلیت مدرن مواجه خواهد شد، با غلبه انقلاب اسلامی جاهلیت مدرن از صفحه زمین بر چیده خواهد شد.

2. نهضت امام خمینی آغازگر انقلاب بزرگ اسلامی است که دلالت دارد بر استمرار اثرگذاری‌ها و انتشار افکار آن و رشد و گسترش آن در جهان اسلام تا زمانی که امام مهدی(عج) ظهور نماید. البته واقعیت سیاسی معاصر جهان نیز این حقیقت را تایید می‌کند؛ زیرا جهان شاهد انتشار و رشد افکار امام خمینی در کشورهای مختلف اسلامی است که به بیداری عمومی جهان اسلام که خواهان اجرای احکام اسلام هستند انجامیده است.

3. انقلاب امام خمینی جدا از انقلاب بزرگ مهدوی نیست، بلکه بخشی از آن است و همان هدف‌های استراتژیک آن را در باره برپایی حکومت جهانی اسلام دنبال می‌کند.

4. انقلاب اسلامی ایران نهضتی مبارک و انفجار نوری است که در شبستان دیجور گمراهی‌ها و سرگردانی‌ها رخ داده است که از آن تولد دوباره یک ملت پدیدار و آرزوی دیرینه همه انبیاء و اوصیاء الهی به وسیله آن نهضت برآورده گشته است و در واقع این انقلاب ظهور صغرا است و زمینه‌ساز ظهور کبری حضرت صاحب الزمان(عج) است، و پیروزی ایشان پیروزی تمام ادیان آسمانی است، و آخرین سنگرهای کفر و بی‌دینی توسط نیروی خارق العاده آن جناب مفتوح شده و آرمان بشریت تحقق خواهد یافت.

نتیجه

نتایج تحقیق حاکی از این است که جاهلیت اولی، در ازدحام تعصب قبیله‌ای و حزبی، زنده به گور کردن دختران، تبرج و خودآرایی، قمار و غنا و بت‌پرستی مزمن خود را نمایاند. در حالی که تا پیش از دوره غلبه تاریخ و تفکر غربی، بشر در جهل بسیط سیر می‌کرد از این رو، بخت خضوع و خشوع در برابر حق را به تمامی از دست نداده بود، اما از این عصر، بشر خودبنیادی پیشه کرد و با اصالت دادن به دریافت‌های حاصل از تجربه حواس ظاهری، خود را حجت و قطب، منشأ شناخت و فاعل تامّ شناسنده خواند و از عالم و آدم تفسیری مادی ارائه کرد. از این رو خالق هستی، کتب آسمانی و کلام

وحيانی انبیا و اوصیای الهی را به محکمه عقل کَمّی مَتّکی به دریافت‌های حسّی کشید و احکام خود را درباره آن‌ها صادر کرد. در واقع بنایی جدید بر پایه‌ای جدید پدید آورد و از اینجا، خدای نو، کتاب نو و احکام نو پدید آمد. شاید این واقعه، تفسیر این آیه در «قرآن» باشد که از قول ابلیس بیان شده: «پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من هم گناهانشان را در زمین برایشان می‌آرایم و ...»

بنابر این در پی پاسخ به سوال اصلی، می‌توان گفت گرچه ریشه‌های پیدایش جاهلیت مدرن متمایز از جاهلیت اولی است، اما در واقع تمام ویژگی‌های جاهلیت اولی را در بطن خود دارد که در گذر زمانه رنگ و لعابی نو یافته‌اند. جاهلین اولیه چون علم و آگاهی نداشتند این امکان وجود داشت که با پند و نصیحت هدایت شوند اما جاهلین مدرن چون به سلاح دانش و علم و تکبر مجهز هستند، مقاومت می‌کنند، در نتیجه امید کمی به هدایت آنان وجود دارد. پس جاهلیت مدرن به مراتب خطرناکتر از جاهلیت اولی است. اگر در جاهلیت اولی، عصبیت افراد قبیله جنبه دفاع از قبیله و مهمان داشت در جاهلیت مدرن این خصیصه حالت تهاجمی به خود گرفته و خون انسان‌های بی‌گناه زیادی را پایمال کرده است. واقعیت این است که وجوه ممیزه جاهلیت مدرن در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی عصر مدرن وجود دارد که در تحقیق حاضر بیشتر روی وجوه اجتماعی تمرکز شده بود. و به‌همین جهت است که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران وظیفه و رسالت خود را بر بسط و گسترش معارف دینی و مهدوی متمرکز ساخته و از این طریق در آماده‌سازی و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای ظهور گام‌های مهمی را برداشته است. بیداری اسلامی کنونی نیز موید این معناست که انقلاب اسلامی ایران در بعد فکری و نظری در حوزه جغرافیایی خاصی محدود و محصور نمانده است و توانسته است در راستای آموزه مهدویت و زمینه‌سازی ظهور، اهداف و آرمان‌های سیاسی — اجتماعی خود را پیگیری نماید. بنابراین بر اساس یافته‌های بدست آمده فرضیه این تحقیق نیز مورد تایید قرار می‌گیرد.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم .
2. نهج البلاغه .
3. ابومعاش، سعید، 1430 ق، الإمام المهدي في القرآن و السنة، مشهد مقدس، آستانة الرضوية المقدسه .
4. آلوسی، ابو الفضل شهاب الدین محمود، 1992 م، بلوغ الارب، تحقیق محمد بهجه الاثري، قاهره، دارالکتب الحدیثة، الطبعة الاولى.

5. ابن بابویه، محمد بن علي (شيخ صدوق)، 1377 ش، *كمال الدين و النعمه*، مترجم محمد باقر كمره اي، قم، كتابفروشي اسلامي.
6. ابن بابویه، محمد بن علي (شيخ صدوق)، 1386 ش، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، مترجم محمد انصاري محلاتي، قم، نسيم كوثر.
7. ابن ابی الحديد، 1961 م، *شرح نهج البلاغه*، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، دارالاحياء الكتب العربيه، الطبعة الاولى.
8. ابن شعب الحرّاني، حسن بن علي بن حسين، 1363 ش، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، مؤسس النشر الإسلامي.
9. الترماني، عبدالاسلام؛ 1996 م، *الزواج عند العرب في الجاهلية و السلام*، دمشق، مكتبة الاسد، الطبعة الاولى.
10. جعفریان، رسول، 1380 ش، *حيات فكري و سياسي امامان شيعه*، قم، انصاريان.
11. جواد علي، 1413 ق، *المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، جامعه بغداد، الطبعة الاولى.
12. حتي، فيليپ، 1366 ش، *تاريخ عرب*، تهران، آگاه.
13. حلي، رضي الدين علي بن يوسف، 1337 ش، *العدد القويہ لدفع المخاوف اليوميہ*، محقق محمود رجايي، قم، كتابخانه حضرت آيت الله العظمي مرعشي نجفي.
14. خميني، روح الله، 1389 ش، *صحيفه امام*، چاپ 5، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
15. الرشيدى، بيتا، العقل و الجهل في الكتاب و السنّه، بي جا، بي نا.
16. صافي، لطف الله، 1380 ش، *منتخب الأثر في الإمام الثاني*، قم، مكتب آيه الله لطف الله الصافي الغليايگاني.
17. طباطبايي، محمد حسين، 2002 م، *الميزان في تفسير القرآن*، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، الطبعة الاولى.
18. طبرسي، احمد بن، 1413 ق، *الإحتجاج*، تحقيق: ابراهيم البهادري، محمد هادي، جعفر سبحاني، قم، اسوه.
19. العاملي، محمد بن الحسن، 1373 ش، *وسائل الشيع* *إلي التحصيل مسائل الشريعة*، تصحيح و تحقيق عبدالرحيم

- ربّاني شيرازي، تهران، اسلاميه.
20. عمر، فروخ، 1984 م، *تاريخ الجاهليه*، بيروت، دارالعلم للملايين، الطبعة الاولى.
21. قمي، علي بن ابراهيم، 1363 ش، *تفسير قمي*، قم، اسلاميه.
22. كليني، محمد بن يعقوب، 1365 ش، *الكافي*، تهران، دارالكتب الإسلاميه.
23. مجلسي، محمدباقر، 1403 ق، *بحار الأنوار الجامع لدرر أخبار الأئمّ الأطهار*، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
24. مكارم شيرازي و همكاران، ناصر، 1367 ش، *تفسير نمونه*، تهران، دار الكتب الاسلاميه.
25. أبو جعفر البغدادي، محمدبن حبيب، 1998 م، *المحبر*، بيروت، دارالافاق الجديدة، الطبعة الاولى.
26. مسعودي، ابوالحسن، علي بن حسين، 1404 ق، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، قم، دارالهجر.
27. مطهري، مرتضي، 1388 ش، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا.
28. موسوي زاده، سيد جواد، 1385 ش، *تاريخ تحليلي اسلام*، قم، چهارده معصوم.
29. نعماني، ابن ابي زينب محمد بن ابراهيم بن جعفر، *الغيب*، بيتا، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران، مكتب الصدوق.
30. نوري، حسين بن محمدتقي، 1408 ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.
31. نويري، شهاب الدين احمد، 1985 م، *نهايه الارب في فنون الادب*، مصر، وزارة الثقافه و الارشاد القومي، الطبعة الاولى.
32. واقدي، محمد بن سعد، (1989م)، *المغازي تحقيق مارسدن جونس*، بيروت، مؤسسه الاعلمي، الطبعة الاولى.
33. ويل دورانت، 1368 ش، *تاريخ تمدن*، ترجمه ابوطالب صارمي، تهران، سازمان انتشارات آموزش و پرورش.

